

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۰۹
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۰۲

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:
Codification of Principles of Architectural Adjacent with the Historic Sacred
Buildings in Iran According to the Method of "Reasoning Based on Reasoning"
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

تدوین آداب همنشینی معمارانه با بناهای تاریخی مقدس در ایران مطابق روش «استدلال بر مبنای نمونه»*

سمانه دباغچی**
افسانه زرکش***

چکیده

همواره در پژوهش‌های حوزه معماری و شهرسازی از «نمونه‌های مورد مطالعه» نام برده می‌شود و به فراخور موضوع تحقیق، نمونه‌هایی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. اما غالباً نقش این «نمونه‌ها» در روند پژوهش و نحوه استخراج داده‌های مفید از آنها، مبهم و بدون روش مشخص است. در واقع معمولاً هر محقق به گونه‌ای شخصی و فارغ از روش‌های علمی به تحلیل نمونه‌ها اقدام می‌کند. این فقدان روش‌مندی، از یک‌سو ارزش علمی پژوهش را کمرنگ می‌کند و از سوی دیگر امکان اعمال نظر شخصی محقق بر روند تحقیق را افزایش می‌دهد به گونه‌ای که ممکن است از یک نمونه واحد، دو محقق، دو نوع نتیجه‌گیری کنند.

از سوی دیگر پژوهش‌های معماری که قصد بهره‌گیری از تجربیات گذشته را دارند ناچارند که به نمونه‌های پیشین مراجعه و جنبه‌های مثبت آن را برای ایده‌های آتی وام گیرند. بدین لحاظ، ضروری است که متناسب با موضوع تحقیق، تکنیک‌های مدون علمی که چهارچوبی روش‌مند دارند شناسایی شده و مورد استفاده واقع شوند.

نوشتار حاضر، برای پاسخگویی به یک نیاز، یعنی چگونگی تدوین آداب همنشینی با بناهای تاریخی مقدس، سعی دارد روشی را پیشنهاد کند که از طریق نمونه‌های موجود بتوان معیارهایی برای طرح‌های آینده تدوین کرد. محدودیت‌های منابع تحقیق، قوانین و اسناد کلی‌نگر و غیر بومی (منشورها و توصیه‌نامه‌های بین‌المللی)، تعارض دیدگاه‌های صاحب‌نظران در خصوص حفاظت و ساختارهای جدید و در نهایت پیچیدگی‌های مطالعه بر روی آثار ارزشمند تاریخی نشان می‌دهد که از میان روش‌های موجود ترجیح با آنهایی است که نمونه‌های پیشین در یک منطقه جغرافیایی را تجزیه تحلیل کرده و از خلال آنها آدابی متناسب با همان پهنه جغرافیایی و فرهنگی استخراج کرده‌اند.

روش پیشنهادی، یعنی «استدلال بر مبنای نمونه» Case-based reasoning مطابق یک مدل ساختارمند، به محقق کمک می‌کند که نمونه‌ها را طی یک فرآیند مشخص، تحلیل کرده و خروجی‌هایی مورد انتظار به دست آورد. این روش برای سایر پژوهش‌های مشابه نیز کارایی داشته و محققان حوزه معماری و شهرسازی را از برخوردهای غیر یکسان با نمونه‌های موردی می‌رهاند.

واژگان کلیدی

معیار، الحاق، ارزش‌های فرهنگی، بنای مقدس تاریخی، طراحی معماری.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «سمانه دباغچی»، با عنوان «آداب همنشینی معمارانه با بناهای تاریخی مقدس، با تأکید بر بناهای اسلامی ایران» است که به راهنمایی خانم دکتر «افسانه زرکش» در دانشگاه تربیت مدرس انجام گرفته است.
** پژوهشگر دکتری معماری دانشگاه تربیت مدرس. S.Dabbaghchi@Gmail.com
*** دکتری معماری، استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس. Zarkesh@modares.ac.ir

مقدمه

و برنامه‌های حفاظت از میراث فرهنگی در سه دهه اخیر در ایران را بررسی کرده و فراز و نشیب‌های سیاست‌های کلی میراث فرهنگی و حوزه حفاظت را واکاوی می‌کند. امین‌پور در خصوص «اصل حداقل مداخله» خاطرنشان می‌کند که به دلیل تأثیرپذیری اصل مذکور از جو زمانی خاص، فقدان اصلی جایگزین در آن زمان و نیز نگرانی مفرط در خصوص از دست رفتن آثار، اشکالات و نواقص بسیاری، از گزینش واژگان نامناسب در نامگذاری این اصل گرفته، تا عدم شمول و جامعیت، گریبان‌گیر اصل و زمینه‌ساز شکل‌گیری چالش‌های جدی در حوزه مداخلات حفاظتی شده است.

نزدیک‌ترین پژوهش به موضوع حاضر، مقاله‌ای است که به طرح توسعه بناهای تاریخی با کاربرد معماری معاصر می‌پردازد. وی معتقد است که در طرح توسعه بناهای تاریخی می‌توان از کلیدواژه‌هایی مدرن (عناصر و مؤلفه‌هایی مدرن) استفاده کرد که به افزایش جذابیت و رونق این بناها بیافزاید. رضازاده اردبیلی در بررسی مدیریت طراحی مزار شیخ صفی الدین (رضازاده اردبیلی و پیغامی، ۱۳۹۱) با نگاهی اجرایی به موضوع همجواری با اثر تاریخی پرداخته و سعی می‌کند به یک هماهنگی و توافق مابین طراحان و کارفرمایان طرح برسد و روشی عملی را برای طراحی پیشنهاد می‌کند که ضمن حفظ اصول حفاظت، نظرات کارفرما را نیز در بالاترین میزان تأمین کند.

پژوهش‌های ذکر شده را می‌توان به سه دسته تقسیم‌بندی کرد، گروهی در لایه نظریه‌پردازی متوقف شده‌اند و صرفاً بحث‌ها و اندیشه‌های نظری را مورد نقد و تحلیل قرار می‌دهند. گروه دوم معیارهایی ارایه می‌کنند اما به صورت عام و کلی. گروه سوم به صورت مصداقی به موضوع همجواری پرداخته‌اند و پژوهش قابل بسط و تعمیم نیست.

از سوی دیگر برای تدوین معیارهای طراحی در بستر تاریخی، از فرآیندهای روش مند علمی استفاده نمی‌شود در نتیجه غالباً نتایج به دست آمده دارای جامعیت لازم نبوده یا قابلیت تعمیم برای گونه‌ای از بناهای تاریخی را ندارند.

بنابراین آنچه ذکر شد تحقیق حاضر درصدد تدوین معیارهایی برای یک گونه (بناهای تاریخی مقدس) به صورت آداب طراحی است که برای توسعه‌های آتی این گونه از بناها قابل استفاده باشد. برای تدوین آنها از یک متد و ابزار علمی کمک گرفته شود، از عام بودن احتراز کرده، کاربردی بوده و صرفاً محدود به حوزه نظری نباشد.

تعریف آداب

از آداب به عنوان یکی از کلیدی‌ترین واژگان این تحقیق تعاریف متعددی ارایه شده است که تمامی به درک بهتر موضوع کمک می‌کنند. لغت‌نامه دهخدا آداب را جمع مکسر

هرشیء با ارزش، دارای حرمتی است که مواجهه با آن شأن و آدابی از سوی مخاطب را طلب می‌کند. همنشینی معمارانه با بناهای تاریخی که خود از ارزش‌های متنوعی برخوردار هستند آدابی دارد که باید در خور شأن و ارزش‌های آن بنا باشد. اینکه این همنشینی (همجواری نزدیک) چگونه باید اتفاق بیفتد که ارزش‌های بنای تاریخی به ویژه ارزش‌های فرهنگی- تاریخی آن حفظ شود و بنای جدید نیز معرف معماری معاصر عصر خویش باشد؛ پرسشی است که این پژوهش به طور عام به دنبال پاسخی مناسب برای آن است. دهه ۹۰ میلادی به این سو، محوطه‌های تاریخی مقدس، تحت عنوان «میراث نو» مورد توجه نهادهای بین‌المللی میراثی قرار گرفته (ترک‌زبان و محمدمرادی، ۱۳۹۰) و حفاظت از آنها در قالب مستندسازی و حفظ میراث غیر ملموس در حال پیگیری است. اما ضوابط طراحی برای توسعه احتمالی این محوطه‌ها در قالب یک مجموعه مدون وجود ندارد و غالباً از توصیه‌های عمومی برای همجواری با بنای تاریخی استفاده می‌شود. حال آنکه مجموعه‌های مذهبی به دلیل کارکرد ویژه‌ای که در جوامع دارند قطعاً با یک کاخ تاریخی، خانه تاریخی و ... متفاوت است و آدابی متفاوت برای طراحی و توسعه می‌طلبد.

پیشینه تحقیق

موضوع همجواری با آثار تاریخی، نحوه حفاظت از اثر و حریم آن، به قرن ۱۹ میلادی باز می‌گردد. دو نظریه‌پرداز آن دوره یعنی ویوله لودوک و جان راسکین بنیان‌های اولیه این موضوع را مطرح می‌کنند و عمدتاً در دوره‌های بعد نظریات این دو مورد بحث و جدل سایر متخصصان حوزه حفاظت، مرمت و میراث فرهنگی قرار می‌گیرد.

در پژوهش‌های چند دهه اخیر پیرامون موضوع فوق در ایران، میرزا کوچک خوشنویس (میرزا کوچک خوشنویس، ۱۳۸۳) ضمن آنکه تفسیرهای صورت گرفته از اندیشه ویوله لودوک را غیرمنصفانه دانسته، در عین حال به نقد «وحدت سبکی» می‌پردازد و معتقد است قوانین حفاظت پاسخگوی نیازهای مدرن نیستند. در پژوهش دیگری، ضوابط طراحی در بافت‌های تاریخی مورد بررسی قرار می‌گیرد (ترک‌زبان و محمدمرادی، ۱۳۹۰) اما این پژوهش به صورت عمومی به موضوع پرداخته و معیارهای آن کلی و عام است. شاه تیموری (شاه‌تیموری و مظاہریان، ۱۳۹۱)، در تحقیق خود رهنمودهایی را برای ساختارهای نو در زمینه تاریخی ارایه کرده و در صدد استخراج معیارهایی برای طراحی است که مطابق منشورها و قوانین بین‌المللی باشد. فدایی نژاد (فدایی نژاد و حناچی، ۱۳۹۳) سیر تحول سیاست‌ها

امری لازم است. حال آنکه این احترام در خصوص بناهای با ارزش تاریخی مقدس مضاعف بوده و حرمت‌گذاری به آن چه دارای ارزشی است بدون وصف و غیر قابل تکرار در مکان و زمانی دیگر، ملاحظات و آدابی خاص را طلب می‌کند. این پژوهش در پی ارایه الگویی قابل استناد است که به واسطه آن بتوان الحاق به بنای ارزشمند تاریخی مقدس اسلامی را در بهترین وضعیت به انجام رساند.

از مجموع میراث جهانی که از سوی یونسکو ثبت جهانی شده اند قریب به ۱۰۰ اثر زیر مجموعه میراث مذهبی^{۱۲} و مکان‌های مقدس^{۱۳} قرار گرفته‌اند که اهمیت توجه به اماکن مقدس را متذکر می‌شود.

از میان بناهای تاریخی مقدس می‌توان به مساجد، تکیه‌ها و زیارتگاه‌ها اشاره کرد که در این میان زیارتگاه ائمه معصومین از دیر باز مورد توجه ویژه شیعیان بوده و در طی سال‌ها توسعه یافته‌اند. حفاظت توأم با توسعه در بناهای تاریخی مقدس اسلامی برای جلوگیری از فرسودگی کالبدی بنا مورد توجه ویژه قرار دارد و به دلیل وجود باورها و اعتقادات مذهبی در میان مسلمانان، حضور بیش از حد مخاطب در این ابنیه، مداخله با هدف افزایش کارایی عملکردی-فضایی بنا مطابق با نیاز روز، صورت می‌پذیرد.

به منظور الحاق ابنیه برای توسعه بناهای ارزشمند تاریخی مقدس اسلامی، به گونه‌ای که شأن بنای با ارزش تاریخی مقدس درک شده، حفظ شود و نیز بنایی با معیارهای معماری معاصر چنان شکل گیرد که بتواند پویایی زندگی اجتماعی و فرهنگی لازم را برای زمان حال تأمین کند، باید آدابی ارایه شود. مقاله حاضر در صدد ارایه روشی است که از طریق آن بتوان معیارهای همنشینی و توسعه بناهای تاریخی مقدس را استخراج کرد.

فرضیه تحقیق

در تدوین آداب همنشینی معمارانه با بناهای تاریخی مقدس، به چهار دلیل عمده یعنی: محدودیت‌های منابع تحقیق، قوانین و اسناد کلی‌نگر و غیر بومی (منشورها و توصیه‌نامه‌های بین‌المللی)، تعارض دیدگاه‌های صاحب‌نظران در خصوص حفاظت و ساختارهای جدید و نهایتاً پیچیدگی‌های مطالعه بر روی آثار ارزشمند تاریخی بر توجه بیشتر بر نمونه‌های موجود تأکید می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد برای پر کردن خلاء در بخش معیارهای طراحی در بحث الحاق، به منظور بومی‌سازی منشورها و قوانین بین‌المللی- که عمدتاً کلی هستند- می‌توان با تحلیل نمونه‌ها مطابق یک متد مشخص، در یک پهنه فرهنگی-جغرافیای معین (مثلاً ایران) و استخراج الگوها و قواعدی مشترک از آنها، به تدوین آداب همنشینی با بناهای مقدس تاریخی دست یافت که در طرح‌های آتی در

ادب، و به نقل از جرجانی ادب را شناختن اموری^۲ که به وسیله آنها انسان از همه اقسام خطا مصون ماند، دانسته است (دهخدا، ۱۳۷۷)، در فرهنگ عمید، آداب به روش پسندیده، معنی شده است و فرهنگ نفیسی، نگهداشت حد چیز، را به آداب نسبت داده است (نفیسی، ۱۳۴۳).

آداب، همان اندازه و حد چیز را نگه‌داشتن است، حدودی که رعایت آن روشی پسندیده می‌خواهد که به درستی در خصوص همنشینی با بناهای تاریخی باید لحاظ شود و هر آن چیزی است که آدمی را در این مسیر از بروز هرگونه خطا باز دارد. در این پژوهش وجوب آداب همنشینی، بر آن دسته از ابنیه لحاظ می‌شود که در محضر میراث غنی تاریخی-اعتقادی، با ارزش‌های غنی تاریخی، هنری، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... قرار می‌گیرند و چنان متواضعانه باید ادب به جای آورد که حرمت و شأن بنای تاریخی حفظ شده، در این خصوص از هرگونه خطا مبری باشد و همچنین بتواند در مسیر استمرار پویایی بنای ارزشمند تاریخی مقدس، با عنایت به حفظ انسجام و یکپارچگی در بین بناهای قدیم و جدید، تکنولوژی‌های نوین و نیز نمادها و ارزش‌های بنا را به نکویی با یکدیگر پیوند دهد.

"در متون تاریخی و در فرهنگ اسلامی و ایرانی، آداب، متون راهنمای پیشه‌ها و صناعت و نیز مجموعه‌ای از عقاید و خصال و افعال بوده که اهل حرفه باید آنها را از طریق آیین‌هایی که در آن متون می‌آمده، با ممارست و ریاضت و مشق به دست آورده و در خود پایدار می‌ساختند. این متون را «ادب» یا «آداب» می‌خواندند. حتی می‌توان گفت که فتوت‌نامه‌ها نیز، که نوعی مرام‌نامه حرفه‌ای و معنوی اهل فنون و صناعات است در یک تقسیم‌بندی کلی در زمره رسالات «ادب» قرار می‌گیرد." در این‌گونه رساله‌ها آموزه‌ای دلنشین از آداب ظاهری و باطنی دیده می‌شود (قیومی بیدهندی، ۱۳۸۶). از آنجا که این پژوهش در صدد تدوین راهنمایی حتی الامکان جامع است برای طراحی کالبدی ابنیه الحاقی به بناهای تاریخی مقدس، که زیرمجموعه‌ای از حرفه معماری است، با استناد به آنچه در متون کهن آمده، می‌توان از واژه «آداب» استفاده کرد که می‌تواند موضوعات کلیدی فرضیه را نیز به طرز شایسته‌ای پوشش دهد. لازم به یادآوری است که این پژوهش سعی دارد تنها به ارایه آداب ظاهری بپردازد که در کالبد بنا عینیت می‌یابد.

تبیین واژه آداب برای طراحی اجزا، عناصر و ابنیه، تعاریفی چون اصول^۲، قوانین^۴، مقررات^۵، قواعد^۶، ضوابط^۷، منش^۸، معیار^۹، مینا^{۱۰} و دستورالعمل^{۱۱} را متذکر می‌شود که هر یک دارای بار معنایی، حقوقی و محتوایی خاصی است، خارج از آنچه این پژوهش در پی آن است. احترام به بنای تاریخی در همجواری با آن یا الحاق به آن در روند توسعه بنای تاریخی

همان پهنه فرهنگی به کار بسته شود.

دامنه تحقیق

برای انجام یک پژوهش موفق، نیاز است که محقق، موضوع مورد مطالعه را محدود و دقیق کند تا از کلی‌گویی و گستردگی بی‌هدف تحقیق اجتناب شده و هم در بازه زمانی پیش بینی شده توان اثبات فرضیه را داشته باشد.

به همین دلیل، پژوهش حاضر بر طیف خاصی از بناهای تاریخی متمرکز شده است. مطابق تصویر ۱، از انواع همنشینی‌های معمارانه، آن دسته از همنشینی‌ها که احداث یک بنای جدید در مجاورت یک بنای تاریخی مقدس باشد، مدنظر خواهد بود.

بنابراین، سایر حالت‌های همجواری در آثار تاریخی، خارج از موضوع این تحقیق است و نتایج به دست آمده تنها منطبق با این دست از آثار خواهند بود. بدیهی است که روش و تکنیک‌های به کار رفته برای تدوین آداب همنشینی می‌تواند در پژوهش‌های جداگانه‌ای (مثلاً برای همجواری با یک اثر تاریخی بدون عملکرد معاصر-همچون ارگ بم-) مورد ارزیابی و استفاده قرار گیرند و به نتایج متفاوتی منتهی شوند. معیارهای گزینش و شاخص‌هایی که برای انتخاب نمونه‌های



تصویر ۱. روند محدود کردن و تدقیق موضوع تحقیق. مأخذ: نگارندگان.

مورد مطالعه نیاز است شامل ۵ معیار: نوع الحاق، نوع اثر، عملکرد، زمان الحاق و کیفیت الحاق است که در دیاگرام زیر به تصویر کشیده شده است (تصویر ۲).

جایگاه نمونه موردی در فرآیند تحقیق

سؤال اصلی این است که در چه مواردی یک محقق به سراغ نمونه‌ها می‌رود؟ به نظر می‌رسد محدودیت منابع اولیه باعث می‌شود که محقق برای جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها به سراغ نمونه‌های موردی رفته و مبنای تحقیق خود را براساس آن قرار دهد.

مطابق تصویر ۳، بررسی نمونه‌های موردی (Case study)

در لایه استراتژی است. در واقع راهبرد اصلی یک پژوهش می‌تواند حالت‌های مختلفی داشته باشد. انتخاب هر راهبرد، طبعاً متناسب با نیازها و منابع پیش روی محقق است. بنابراین انتخاب استراتژی (راهبرد) مبتنی بر نمونه‌های موردی هنگامی کاربرد دارد که در نسبت با ۶ حالت دیگر برتری داشته باشد.

هنگامی این راهبرد توصیه می‌شود که منابع تحقیقی نظری برای انجام پژوهش کافی نباشد (Saunders, Lewis & Thornhill, 2009) رجوع به نمونه‌ها به عنوان پروژه‌هایی که در عمل اجرا شده‌اند و جنبه‌های مثبت و منفی آنها در گذر زمان آشکار شده است حائز اهمیت است. در این حالت داده‌های تحقیق از بررسی نمونه‌ها به دست می‌آید. در حالی که مثلاً در «استراتژی تجربی» داده‌ها از انجام آزمایش و تجربه‌ها استخراج می‌شود.

در استراتژی پیمایشی، باید در یک بازه زمانی مشخص، سوژه مورد رصد قرار گیرد و متناسب با معیارهای تحقیق، داده‌های لازم جمع‌آوری و تحلیل شود. استراتژی پیمایشی می‌تواند همگام با نمونه‌های موردی به کار رود.

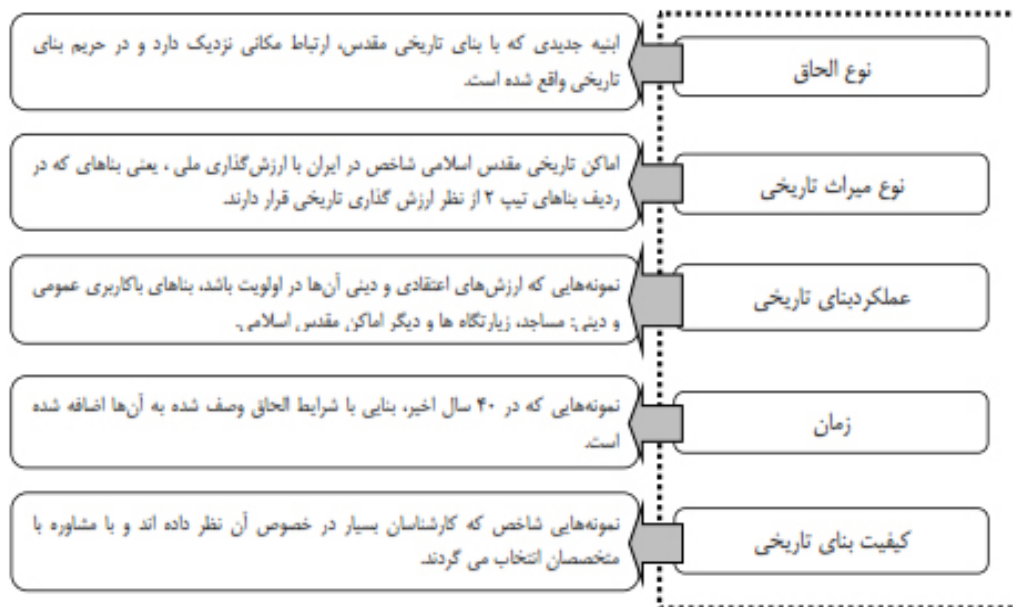
سایر راهبردها (اقدام پژوهی، تجربی، تئوری داده‌بنیاد، قوم‌نگاری) یا در تناسب با موضوع پژوهش حاضر کارایی ندارند یا داده‌های لازم را برای پژوهش فراهم نمی‌کنند یا اساساً قابلیت تحقق در حوزه معماری را ندارند.

هنگامی که مبانی تئوریک یک موضوع (همچون همنشینی با آثار تاریخی) دارای اتفاق نظر در نزد صاحب‌نظران نباشد و علاوه بر آن در سرزمین‌های مختلف، تفاسیر متفاوت از اسناد بین‌المللی صورت گیرد، محقق ناچار است برای رسیدن به یک اجماع نسبی، علاوه بر منابع نظری، به سراغ پروژه‌های واقعی رفته و با تحلیل آنها گستره داده‌های خود را افزوده کند. هر قدر که داده‌های پژوهش متنوع‌تر و بیشتر باشد احتمال صحت نتایج مستخرج بیشتر خواهد شد.

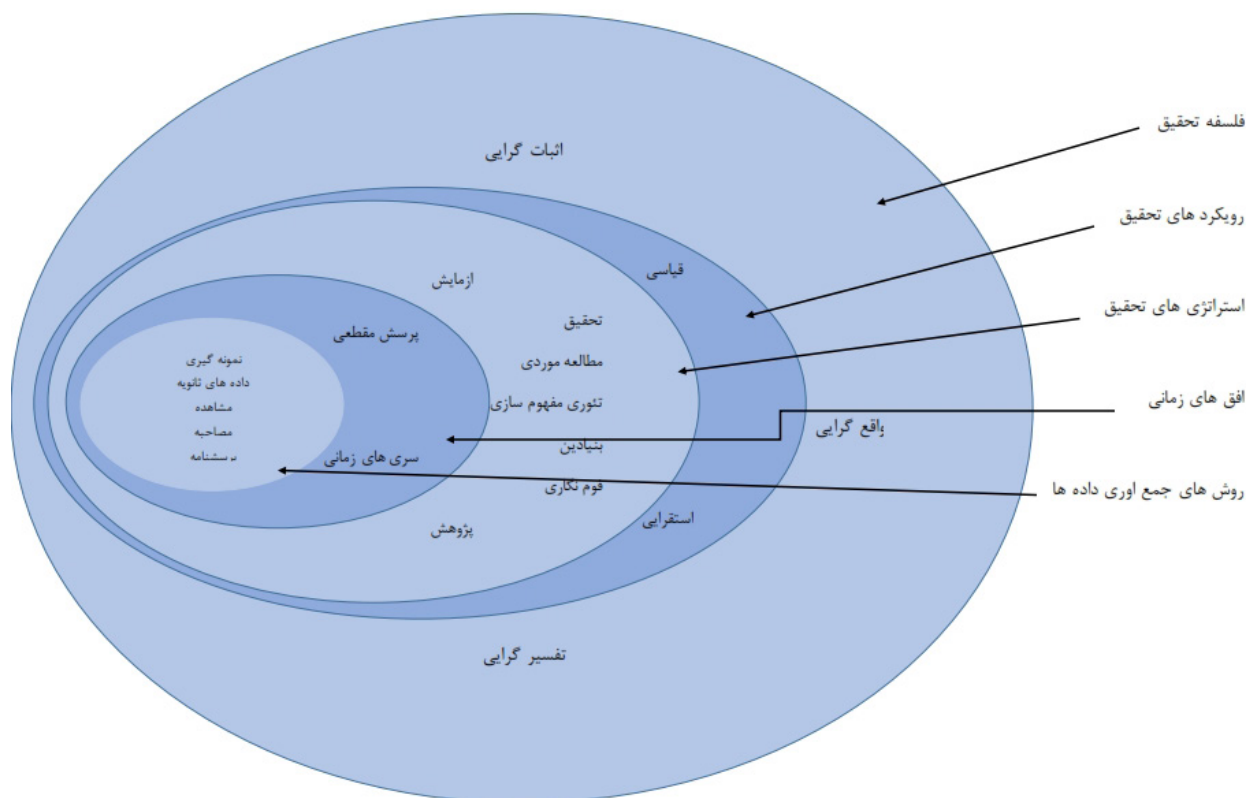
برای تحلیل داده‌های ورودی لازم است از تکنیک‌ها و روش‌های متناسب با نوع داده و موضوع تحقیق استفاده شود. این روش‌ها بر مبنای استدلال‌های منطقی شکل گرفته‌اند و به سه دسته عمده استقرایی، قیاسی، تطبیقی تقسیم می‌شوند که می‌توان حالت‌های ترکیبی (مثلاً قیاسی-استقرایی) نیز برای آن متصور شد. بر مبنای این سه دسته، تکنیک‌ها و روش‌های متعددی برای حوزه‌های مختلف علوم تدوین و پیشنهاد شده‌اند.

در تحقیق حاضر، به قصد تدوین آداب، نمونه‌های پیشین بررسی شده و از الگوهای تکرار شده در جهت جمع‌آوری آداب بهره گرفته می‌شود. لذا تکنیک‌هایی که بتواند مطابق یک فرآیند، پروژه‌های موجود را تحلیل کرده و میزان داده‌های مورد نیاز (در اینجا معیارهای به کار رفته در این

پروژه‌ها) را غنی کند مد نظر است. از میان تکنیک‌هایی که بر نمونه موردی تکیه دارند می‌توان به روش «استدلال بر مبنای نمونه» اشاره کرد. تکنیک تحلیل اطلاعات و استخراج آداب (معیارها) هم‌نشینی



تصویر ۲. تدقیق نمونه‌های مورد مطالعه. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۳. لایه‌های مختلف یک کار پژوهشی. مأخذ: Saunders, et al., 2009.

معماران

• CBR به زبان ساده

به طور اساسی CBR حل یک مسئله جدید به وسیله یادآوری یک موقعیت مشابه قبلی، با استفاده مجدد از اطلاعات و دانش مربوط به آن است. در ادامه به بیان این مفهوم با نگاه به حل چند مسئله نوعی می پردازیم:

یک پزشک، بعد از معاینه یک بیمار خاص در مطبش، به یاد بیماری می افتد که دو هفته قبل درمان کرده است و تجویز او کارآمد بوده است. این یادآوری به دلیل مشابهت علایم اصلی بیماری است نه به دلیل مشابهت در رنگ موی بیمار یا طرز بیان او. در این حالت پزشک از تشخیص بیماری و درمانی که در مورد بیمار قبلی به کار برده است برای تشخیص بیماری و درمان بیمار حاضر استفاده می کند.

یک مشاور مالی که روی یک مسئله تصمیم گیری سخت کار می کند، موقعیت های قبلی که شرکت را با مشکل مشابهی روبه رو کرده را به یاد آورده و از آن برای تصمیم گیری در موقعیت فعلی استفاده می کند.

همان گونه که مثال های بالا نشان می دهند، استدلال با استفاده از تجربیات گذشته یک روش قدرتمند و رایج برای حل مسایل توسط انسان ها است. این ادعا با نتایج حاصل از تحقیقات روانشناسی تأیید می شود. قسمتی از بنیاد روش مبتنی بر حالت، معقول بودن آن از نظر روانشناسی است. مطالعات زیادی مدارک تجربی لازم برای اثبات اهمیت استفاده از موقعیت های تجربه شده قبلی (که به آنها حالات می گوئیم) را در حل مسایل انسانی ارائه داده اند. Schank یک نظریه راجع به آموزش یادآوری مبتنی بر نگهداری تجربیات در یک ساختار پویا و استنتاجی ارائه داد. Anderson نشان داد که انسان ها هنگامی که یاد می گیرند چگونه مسایل را حل کنند از موقعیت های گذشته به عنوان مدل استفاده می کنند (Ahn, Kim & Han, 2007).

در یک پژوهش به شیوه CBR سعی می شود تا از وجوه مشترک بین نمونه های مورد مطالعه (پایین ترین لایه) به معیارها و الگوها دست یافت. (تصویر ۴) که در این پژوهش هدف، دستیابی به معیارها و آداب است.

• چرخه CBR

تکنیک «استدلال بر مبنای نمونه» دارای یک چرخه کلی است که می تواند به وسیله ۴ رویه زیر توصیف شود:

۱. انتخاب نمونه ها و استخراج الگوهای به کار رفته^{۱۴}
 ۲. استفاده مجدد از الگوها و دانش موجود برای حل مسئله^{۱۵}
 ۳. اصلاح راه حل پیشنهاد شده^{۱۶}
 ۴. نگهداشتن قسمت هایی از این تجربه که برای حل مسایل آینده احتمالاً مفید هستند^{۱۷}
- هر کدام از ۴ رویه مطرح شده خود شامل تعدادی مراحل خاص هستند. در تصویر ۵ نشان داده شده است. ایده اصلی CBR این است که "مسایل مشابه راه حل های

پژوهش حاضر قصد دارد به تجربیات گذشته رجوع کرده و از آموزه های آن در تدوین آداب و معیارها استفاده کند. این رجعت به گذشته و تحلیل آن برای آینده غالباً در ادبیات معماری و شهرسازی تحت عنوان «پژوهش موردی» یاد می شود.

رابرت ین، نویسنده یکی از کتاب های مرجع در زمینه پژوهش موردی، تعریف زیر را از این روش ارائه کرده است: "پژوهش موردی جستجوی تجربی است که پدیده ای معاصر را در متن زندگی واقعی مورد بررسی قرار می دهد، به ویژه زمانی که مرز بین پدیده و زمان آن کاملاً واضح نباشد." به بیانی دیگر در معماری چنین تعریف می شود: جستجوی تجربی که یک پدیده یا مکانی معین را مورد تحقیق قرار دهد. با حذف کلمه «معاصر» و افزودن واژه «مکان»، محیطها و مکان های تاریخی به عنوان زمینه های بالقوه پژوهش موردی در نظر گرفته شده اند (گروت و وانگ، ۱۳۹۱).

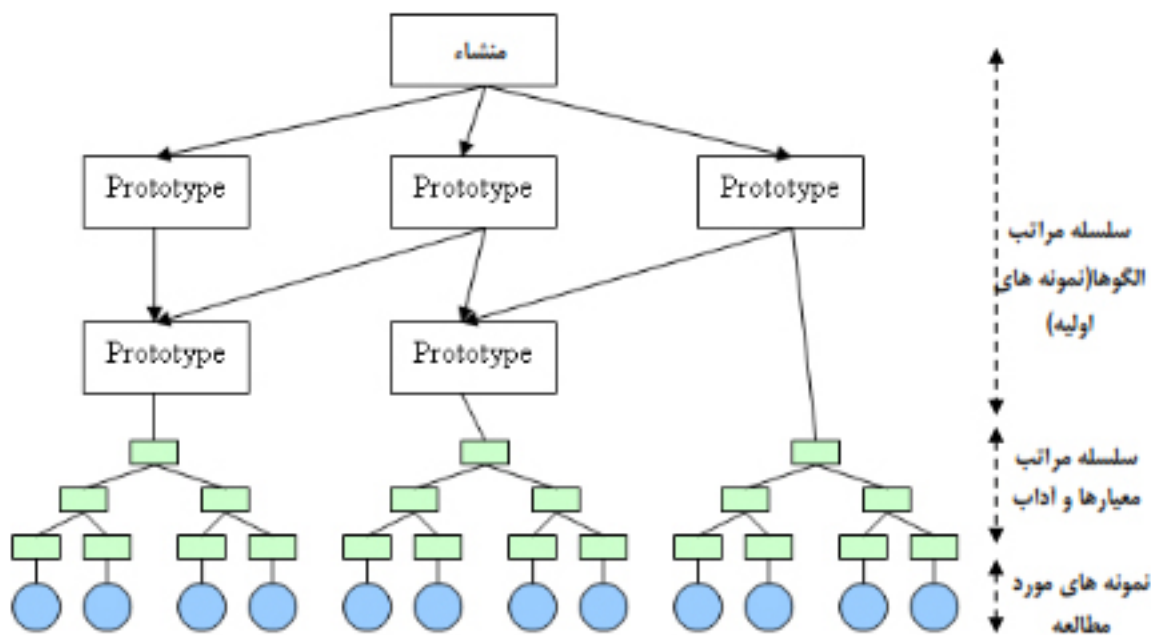
با استناد به گونه شناسی «ین» به نقل از لیندا گروت، این پژوهش در پی تبیین و اکتشاف آداب مذکور با مطالعه نمونه هاست. در واقع نمونه های مورد مطالعه ابزاری است برای دستیابی به اهداف پژوهش، نمونه ها در این پژوهش با اتکا به نظر متخصصین جهت مطالعه و بررسی انتخاب می شوند.

برای تأمین منظور فوق، استفاده از تکنیک های علمی و روزآمد می تواند نتیجه تحقیق را تضمین کند. به همین منظور از یک روش متداول و دارای چهارچوب نظری مناسب تحت عنوان «استدلال بر مبنای نمونه» یا Case-based reasoning (به اختصار CBR) استفاده شده است. این روش براساس یک الگوریتم، داده های ورودی را تحلیل و دسته بندی کرده و نتایج خروجی آن از قابلیت اطمینان بالایی در تحقیقات با زمینه های مشابه این تحقیق برخوردار خواهد بود.

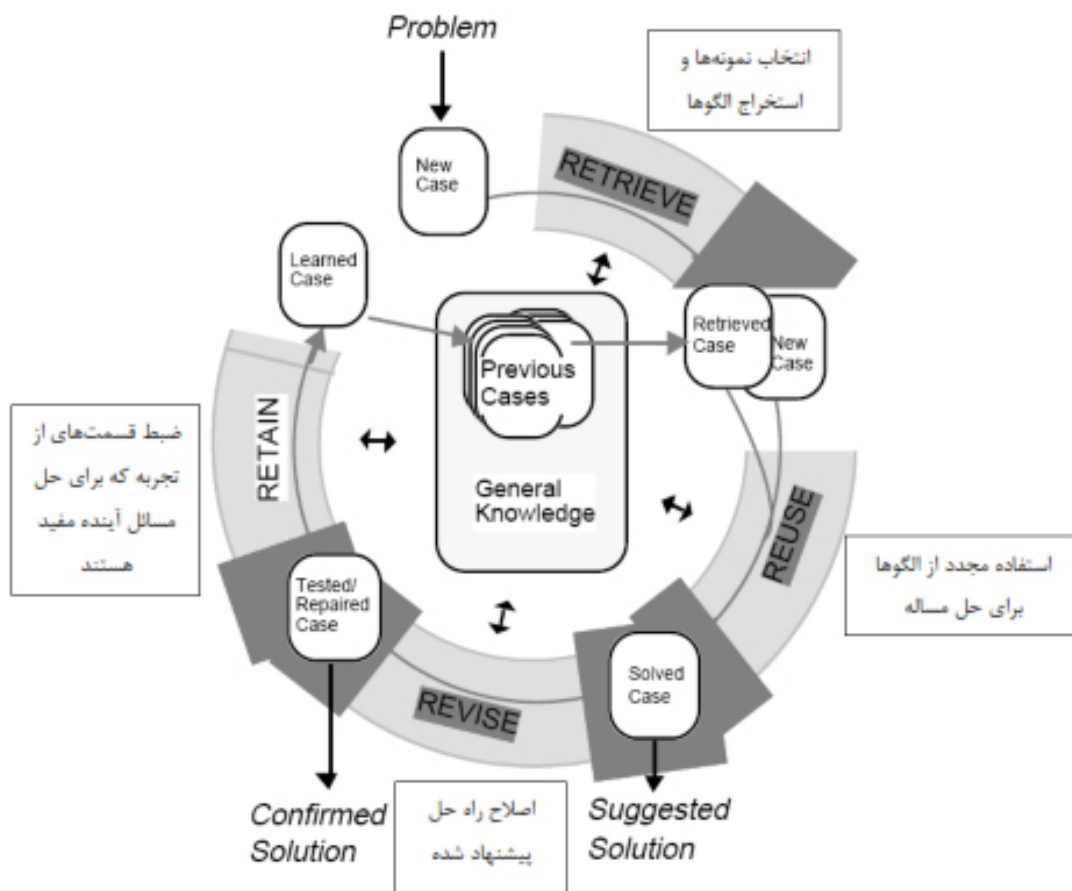
«استدلال بر مبنای نمونه» یا Case-based reasoning

چیست؟

CBR، یک روش حل مسئله است و به جای اینکه فقط روی دانش کلی حوزه مسئله تکیه کند یا بین مسایل و راه حل ها، ارتباطات تعمیم یافته ایجاد کند، قادر است از دانش مخصوص مربوط به تجربیات قبلی و وضعیت دیگر مسایل بهره گیرد. یک مسئله جدید با یافتن وضعیت مشابهی که قبلاً مشاهده شده است و استفاده از آن در وضعیت جدید حل می شود. تفاوت مهم دیگر این است که CBR روشی برای یادگیری تقویتی، افزایشی است چون هر دفعه که مسئله ای حل می شود یک تجربه جدید نگه داشته شده و برای مسایل بعدی در دسترس است. زمینه کاربرد CBR در طول چند سال اخیر به سرعت رشد کرده است. شاهد این امر مقالات زیاد در کنفرانس های مهم، ابزار تجاری در دسترس و کاربردهای موفق آن است.



تصویر ۴. سلسله مراتب و نسبت بین نمونه‌های مورد مطالعه، معیارها و الگوها براساس نظریه الکساندر. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۵. چرخه CBR، مطابق (Aamodt & Plaza, 1994). مأخذ: نگارندگان.

تاریخی نیز می‌تواند به عنوان یک معیار در انتخاب نمونه‌های موردی مد نظر قرار گیرد.

• یک مثال : استخراج آداب «شکل» در الحاق به بنای تاریخی مقدس

به صورت پیش‌فرض و مطابق توصیه نامه‌های بین‌المللی، طراحی جدید در یک زمینه تاریخی باید با شکل قالب بناهای مجاور هم سازگار باشد (Williamson, 2010). اما چگونگی این «سازگاری» مبهم و قابل تفسیر است. به همین دلیل، در مواردی شاهد تضاد شکلی با بنای تاریخی - همچون موزه سلطنتی اونتاریو - و گاهی شاهد تشابه شکلی - همچون گنبد جدید رایشتاگ - هستیم.

علاوه بر حالت دوگانه «مشابه/ متضاد»، شکل می‌تواند حالت‌های دوگانه «خنثی/ شاخص»، «اصیل / نوگرا» را نیز به خود بگیرد. همچنین شکل می‌تواند واجد خصوصیت «سمبولیک» نیز باشد (Jäger, 2010 & Dedek, 2014). انتخاب هر یک از حالات مذکور متناسب با نوع بنای تاریخی می‌تواند به «سازگاری» تعبیر شود. اما از تحلیل تجربیات مختلف در سراسر جهان و تطبیق وجوه موفق می‌توان به یک اجماع نسبی و عمومی بر سر «آداب شکل در هم‌نشینی با بنای تاریخی» دست یافت.

بناهای تاریخی مقدس، نیز از قاعده فوق پیروی می‌کنند، یعنی می‌توان با بررسی چندین پروژه معاصر در زمینه الحاق به بنای مقدس تاریخی، وجوه مشترک آنها را در رعایت آداب شکل بنای جدید شناسایی کرد.

مطابق روش پیشنهادی یعنی «استدلال براساس نمونه»، نحوه استخراج آداب «شکل» به صورت زیر خواهد بود :

همان‌گونه که در تصویر ۷ مشاهده می‌شود، پس از بررسی معیارها در نمونه‌های اولیه، نتایج را در نمونه‌های گسترده‌تر ارزیابی کرده و مواردی که دارای تکرار بیشتری هستند جمع‌آوری می‌شود. بدین ترتیب آداب اولیه برای «شکل» بنای الحاقی به دست می‌آید. اما این چرخه می‌تواند ادامه یابد و چندین بار تکرار شود. نمونه‌های بیشتری را در هر بار تکرار مورد سنجش قرار داده و دقت نتایج را افزایش

مشابه دارند". بنابراین وقتی برای طراحی یک پروژه در آینده به دنبال معیارهایی هستیم می‌توانیم از راه حل‌ها و الگوهای پیشتر استفاده شده و تأیید شده از سوی کارشناسان بهره گرفت. اما چگونه می‌توان الگوها را از میان حالت‌های مختلف شناسایی کرد؟ بنیان نظری استفاده از الگوها چیست؟

• زبان الگو Pattern Language

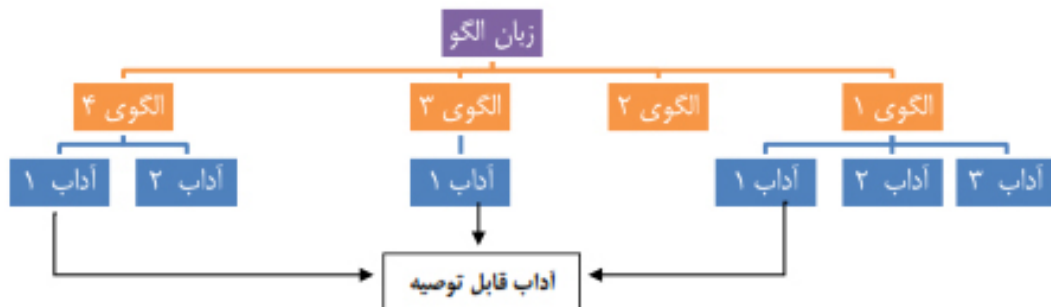
کریستوفر الکساندر در تئوری خود تحت عنوان زبان الگو، پیشنهاد استفاده از الگوهای پیشین در معماری را مطرح کرد (Alexander, Ishikawa & Silverstein, 1977). ایده الکساندر این بود که وقتی یک الگو تکرار می‌شود، تعدد کاربرد آن می‌تواند حاکی از صحت الگو و پذیرش عمومی آن باشد. بنابراین می‌تواند به عنوان یک راه حل برای مسایل آتی نیز استفاده شود.

استخراج این الگوها و تدوین معیارهای آن از روش‌های مختلفی قابل حصول است. در تحقیق حاضر استخراج این معیارها (آداب) از روش «استدلال بر مبنای نمونه» است که با ترکیب آن با تئوری «زبان الگو»ی الکساندر، انتظار می‌رود که فهرستی جامع از آداب تدوین شود.

مطابق نظریه الکساندر، خروجی‌های این مدل می‌تواند تبدیل به قواعدی شود که طراحان از آن برای پروژه‌های آتی خود بهره گیرند. این قواعد در واقع دستورالعمل‌هایی خواهند بود که ضمن حفظ خلاقیت طراحان، به آنان چهارچوبی را پیشنهاد می‌کند که در طراحی خود به آن پای‌بند باشند.

معیار انتخاب نمونه‌ها

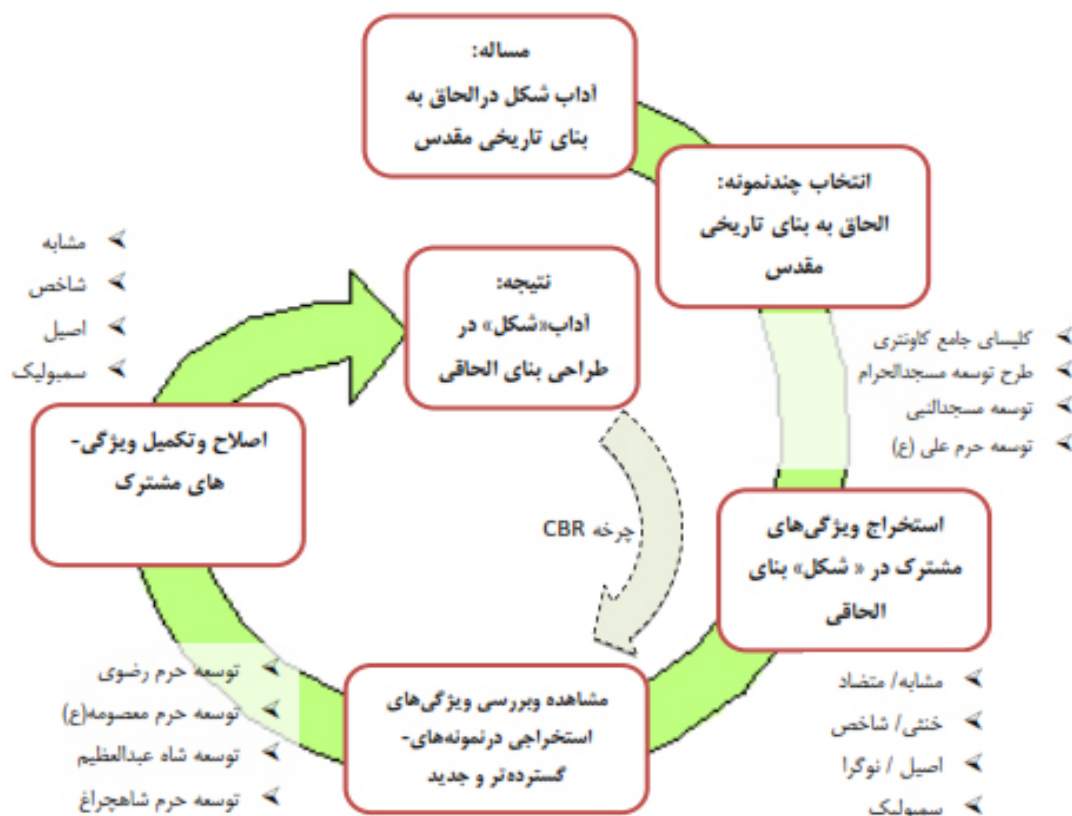
به صورت منطقی، دسترسی به همه نمونه‌های بین‌المللی و داخلی برای تحلیل و بررسی وجود ندارد. لذا تنها مراجعه به گزیده‌ای از نمونه‌ها امکان‌پذیر است و برای انتخاب نمونه‌ها لازم است که معیارهایی رعایت شود. به عنوان مثال، نمونه‌ها باید قابل دسترس باشند، اطلاعات کافی (اسناد، مدارک، تصاویر، نقد و تحلیل) از آنها موجود باشد، جزء پروژه‌هایی باشند که نزد صاحب‌نظران بحث برانگیز و نزد مخاطبان مقبول باشند. ضمن آنکه شهرت و معروفیت بنای مقدس



تصویر ۶. تلفیق تئوری کریستوفر الکساندر و پژوهش حاضر. مأخذ : نگارندگان.

با بنای تاریخی مقدس، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که «شکل بنای الحاقی در غالب موارد یک بنای مشابه، شاخص، اصیل و نمادین است». برای دست یافتن به جزئیات بیشتر (مثلاً تشابه در کلیات یا در جزئیات) می‌توان همین مراحل را با جزئیات دقیق‌تر تکرار کرد. این فرآیند را برای استخراج سایر آداب طراحی بنای الحاقی، همچون، توده، پر و خالی، رنگ غالب، مصالح و ... نیز می‌توان به کار برد و مجموعه کاملی از معیارها را تحت عنوان آداب همنشینی ارایه کرد.

داد. به صورت تئوری این چرخه وقتی به نتیجه ایده‌آل می‌رسد که به تعداد بی‌نهایت تکرار شود. اما در عمل پس از چند تکرار محدود، به اندازه‌ای قابل قبول از صحت نتایج خواهیم رسید (چراکه تغییرات در تکرارهای بیشتر، جزئی خواهند بود). بدیهی است که در مقیاس زمانی وسیع‌تر، می‌توان آداب را در پروژه‌های آتی به کار بست و مجدد نتایج آن را در این فرآیند وارد کرد. از این طریق، معیارها اصلاح می‌شود و آداب مدنظر به روز رسانی می‌شود. در مثال فوق، پس از تحلیل نمونه‌ها، در زمینه همنشینی



تصویر ۷. مراحل استخراج آداب «شکل» در همنشینی بنای تاریخی مقدس. مأخذ: نگارندگان.

وجود دارد و میزان اهمیت معیارها با توجه به تکرار آنها در نمونه‌ها قابل استخراج است. عطف به پیشینه تحقیق (بند ۲)، در خصوص معیارهای همجواری با بنای تاریخی، با کاستی‌هایی همچون، توقف در لایه نظریه‌پردازی صرف، فقدان معیارهای اختصاصی برای گونه‌های مختلف بناهای تاریخی و عدم تعمیم پژوهش‌های موردی مواجه هستیم. لذا در این تحقیق روشی عملی و علمی پیشنهاد شد تا امکان تعیین آداب فراهم شود.

بحث: روش «استدلال بر مبنای نمونه»، مزایا و محدودیت‌ها توسعه بناهای تاریخی، موضعی است که به سختی می‌توان معیارهای روشن و کاربردی برای آن تدوین کرد. روش مورد استفاده در این تحقیق، به دلیل بهره‌گیری از فرآیند CBR به معیارهای مشخص، قابل تعمیم، با کمترین میزان تفسیر منتهی می‌شود. قطعیت و صحت نتایج به دلیل برخورداری از پشتوانه نمونه‌های مورد مطالعه و تعدد آنها افزایش می‌یابد. در حالت فوق قابلیت تعیین اولویت و رتبه‌بندی آداب طراحی

بهینه از دیگر مزایای روش فوق است. علی‌رغم مزایای ذکر شده، می‌توان به برخی محدودیت‌ها و ضعف‌های پژوهش حاضر نیز اشاره کرد. تعداد کم نمونه‌ها، انجام نتیجه‌گیری را دشوار می‌کند و از وثاقت یافته‌ها می‌کاهد. عدم دسترسی به کلیه اسناد نمونه‌های موجود تحلیل‌ها و قیاس‌های پژوهش را با محدودیت مواجه می‌کند. علاوه بر آن، در خصوص آداب استخراج شده، عدم انعطاف و وضوح بیش از اندازه آنها ممکن است طراح را دچار رفتار خطی کند و طرح توسعه بنای تاریخی مقدس را خشک و بی‌روح کند. از جنبه روش‌شناسی نیز، معمولاً وام گرفتن یک متد (در اینجا CBR) از سایر رشته‌های علوم برای حوزه معماری، دو پیامد را به دنبال دارد. اول آنکه ممکن است با مقاومت از سوی متخصصان مواجه شود. این امر ناشی از جنبه‌های هنری رشته معماری است که روش‌های علمی را بر نمی‌تابد. دومین پیامد به کارایی این متدها مربوط می‌شود. اثر معماری، همچون لوله آزمایش در یک آزمایشگاه نیست. وابستگی به عوامل بیرونی و تأثیر و تأثر یک بنا با بستر خود مولود عوامل متعدد و گاهی نامحسوس است که شناسایی و ارزیابی آن در یک پژوهش حوزه معماری گاهی غیر ممکن است و این پدیده آن را با سایر علوم متمایز می‌کند.

روش «استدلال بر مبنای نمونه» به دلیل آنکه الگوها را از پروژه‌های اجرا شده استخراج می‌کند پس صرفاً تئوری نیست و برعکس به جای نظریه‌پردازی سعی می‌کند از اقدامات عملی، چهارچوبی واقع‌گرایانه برای بحث همجواری ارائه کند. مسیر روش CBR از سمت تجربه به سمت تئوری است. تجربیات تکرار شده را به صورت یک الگو شناسایی می‌کند. تمرکز بر یک گونه خاص از بناهای تاریخی (در اینجا بناهای مقدس)، برای تبیین الگوها، امکان حصول به آداب همجواری را تسریع می‌کند. به علاوه به دلیل استفاده از روش استدلالی پیشنهاد شده (CBR)، به طور منطقی می‌توان نتایج را تعمیم داد. بنابراین انتظار می‌رود که با روش مذکور، خلاء تحقیقات پیشین جبران شده و این مدل برای سایر گونه‌های بناهای تاریخی نیز معتبر باشد.

با وجود آنکه تعیین آداب طراحی ممکن است منجر به یکنواختی و کاهش خلاقیت شود در عین حال به دلیل تعیین اهمیت و ارزش هر یک از مؤلفه‌های طراحی، این امکان به طراح داده می‌شود که از برخی معیارهای کم اهمیت را در قبال معیارهای با اهمیت زیاد صرف نظر کند. در این حالت فضا برای خلاقیت طراح همچنان مهیا خواهد ماند. علمی بودن فرآیند به کار رفته و کمک به طراح در اخذ تصمیمات

نتیجه‌گیری

موضوع تحقیق حاضر که محدود به دسته‌ای خاص از بناهای تاریخی است باعث می‌شود که منابع نوشتاری و کتابخانه‌ای اندکی برای تحقیق فراهم شود. کمبود منابع مکتوب را باید به طریقی جبران کرد تا ادله مطرح شده برای معیارها (آداب طراحی) دارای پشتوانه نظری و عملی کافی باشد. لذا استراتژی تحقیق به سمت بررسی نمونه‌های موردی معطوف شد. اما برای تحلیل نمونه‌ها باید از روشی استفاده کرد که دارای چهارچوب‌های نظری مناسب بوده و به طور روش‌مند محقق را به نتایج مورد انتظار نزدیک کند.

به استناد موارد گفته شده در بخش ۵ و محدودیت‌هایی که برای هر کدام از راهبردها (استراتژی‌ها) وجود دارد، استفاده از استراتژی نمونه‌های موردی و پیمایشی پیشنهاد می‌شود. برای تحقق این راهبرد نیاز به تکنیک مناسب است. لذا استفاده از روش «استدلال بر مبنای مطالعه موردی» و نظریه «زبان الگوی» کریستوفر الکساندر برای استخراج الگوهای به کار رفته در آنها پیشنهاد شد. تلفیق این دو می‌تواند بهترین حالت برای استخراج داده‌های لازم به منظور تدوین آداب همنشینی با بنای تاریخی مقدس باشد.

بدین ترتیب سه گام برای تحقق این امر پیشنهاد می‌شود :

گام اول شامل انتخاب نمونه‌های مورد مطالعه است. در این مرحله باید به فراخور موضوع و استفاده از نظر کارشناسان، مطابق معیارهایی که در بخش ۳ (دامنه تحقیق) گفته شد، نمونه‌هایی از بناهای تاریخی مقدس که مورد توسعه کالبدی قرار گرفته‌اند انتخاب شوند.

گام دوم شامل استخراج الگوهای به کار رفته در هر یک از نمونه‌های موردی است. این الگوها متأثر از آدابی بوده‌اند و تحت شرایط خاص مکانی (مکان مقدس و تاریخی در سرزمین ایران) و ملاحظات زمانی (دوره معاصر) شکل گرفته‌اند. بنابراین قابل تصور است که دسته‌بندی الگوها و بررسی میزان موفقیت یا شکست آنها در ظرف زمان می‌تواند به یافتن وجوه مشترک منتهی شود. در این مرحله از روش CBR برای تحلیل نمونه‌ها یافتن وجوه مشترک استفاده می‌شود. سپس مطابق نظریه الکساندر، مواردی که واجد دسته‌بندی شدن و قرار گرفتن ذیل یک آداب را دارند تدوین می‌شود.

در گام سوم، یافته‌های فوق با توصیه‌نامه‌ها و منشورهای بین‌المللی مطابقت داده می‌شود. در صورت تعارض بین تجربیات و مفاد منشورها، حفظ ارزش‌های عملکردی و معنوی (حفظ آداب زیارت) مبنای تصمیم‌گیری خواهد بود. در منشور ونیز، به کشورها توصیه شده است که مطابق اقتضائات و نیازهای اجتماعی و فرهنگی هر سرزمین، باید منشورها به سمت سازگاری با شرایط هر کشور تعدیل شود. لذا در موضوع هم‌نشینی با بناهای تاریخی مقدس با توجه به اهمیت اجتماعی و فرهنگی این مجموعه‌ها، انطباق توصیه‌های بین‌المللی با تجربیات داخلی، امری منطقی خواهد بود.

رویکرد تحقیق حاضر بیش از آنکه متکی به نظریات سنتی حوزه حفاظت و پیرو اندیشه‌های لودوک یا راسکین باشد، بر استمرار حیات و فعالیت‌های جاری در بناهای تاریخی مقدس تأکید دارد. حفظ آداب و رسوم عبادی متداول در این بناها در اولویت قرار داشته لذا بهترین معیارها از درون تجربیات عینی و تحلیل الحاقات اخیر به دست می‌آید. روش «استدلال بر مبنای نمونه» که از تجربه به نظریه می‌رسد ابزاری مناسب جهت تدوین آداب هم‌نشینی با بنای تاریخی مقدس در سرزمین ایران را در اختیار محققان قرار می‌دهد.

خروجی فرآیند فوق در قالب آداب هم‌نشینی بناهای تاریخی مقدس، به طراحان کمک خواهد کرد که در مسیر طراحی برای توسعه بناهای تاریخی مقدس، در قالب این آداب اقدام به طراحی کنند و همچنین از آنها می‌توان برای قضاوت در خصوص میزان موفقیت یا عدم موفقیت یک طرح پیشنهاد شده بهره گرفت.

چشم‌انداز تحقیق حاضر این است که روش فوق در قالب انتخاب چند نمونه و انجام تحلیل بر مبنای تکنیک پیشنهادی صورت گیرد تا کارایی آن در عمل مورد ارزیابی واقع شود. این امر مستلزم انجام پژوهشی مستقل خواهد بود که تکمیل‌کننده تحقیق حاضر است.

پی‌نوشت‌ها

۱. Code of Conduct
۲. Principles, Etiquette
۳. Principles
۴. Codes
۵. Regulations
۶. Rules
۷. Criteria
۸. Character, Code, Ethos
۹. Criteria
۱۰. Foundation
۱۱. Guide Lines
۱۲. Religious Heritage
۱۳. Sacred Places
۱۴. Case Retrieval
۱۵. Case Reuse
۱۶. Case Revision
۱۷. Case Retainment-Learning

فهرست منابع

- ترک‌زبان، شقایق و محمدمرادی، اصغر. ۱۳۹۰. ضوابط طراحی معماری در بافت‌های تاریخی. نشریه شهر و معماری بومی، (۱) : ۷۳-۵۷.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷. لغتنامه دهخدا. تهران : روزنه.
- رضا زاده اردبیلی، مجتبی و وپیغامی، لیلا. ۱۳۹۱. روش‌های مدیریت طراحی در جوار آثار معماری مذهبی، نمونه موردی : مزار شیخ صفی‌الدین اردبیلی. باغ نظر، ۹ (۲۳) : ۶۴-۴۷.
- شاه‌تیموری، یلدا و مظاہریان، حامد. ۱۳۹۱. رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه تاریخی. نشریه هنرهای زیبا، ۱۷ (۴) : ۴۰-۲۹.
- فدایی‌نژاد، سمیه، و حناچی، پیروز. ۱۳۹۳. بررسی و تبیین سیر تحول سیاست‌ها و برنامه‌های حفاظت از میراث فرهنگی، بازه زمانی سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۱. مطالعات معماری ایران، (۵) : ۳۷-۲۱.
- قیومی بیدهندی، مهرداد. ۱۳۸۶. آداب جستجوی تاریخ معماری ایران در متون فارسی با تکیه بر متون نشر سده‌های نخست. پایان‌نامه دکتری معماری. تهران : دانشگاه شهیدبهشتی.
- گروت، لیندا و وانگ، دیوید. ۱۳۹۱. روش‌های تحقیق در معماری. ت : علیرضا عینی‌فر. تهران : انتشارات دانشگاه تهران.

- میرزا کوچک خوشنویس، احمد. ۱۳۸۳. از بازسازی سیکی تا نگهداری موزهها. باغ نظر، ۱ (۱) : ۳۸-۵۸.
- نفیسی، سعید. ۱۳۴۳. فرهنگ نفیسی. تهران : خیام.

- Aamodt, A., & Plaza, E. (1994). *Case-based reasoning: foundational issues, methodological variations, and system approaches*. *AI Commun.*, 7(1): 39-59.
- Ahn, H., Kim, K. j. & Han, I. (2007). *A case-based reasoning system with the two-dimensional reduction technique for customer classification*. *Expert Systems with Applications*, 32(4): 1011-1019. doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.eswa.2006.02.021>
- Alexander, C., Ishikawa, S. & Silverstein, M. (1977). *A Pattern Language: Towns, Buildings, Construction: OUP USA*.
- Dedek, P. B. (2014). *Historic Preservation for Designers*. New York: Bloomsbury Academic.
- Jäger, F. P. (2010). *Old & New: Design Manual for Revitalizing Existing Buildings*. Basel: De Gruyter.
- Saunders, M., Lewis, P. & Thornhill, A. (2009). *Research Methods for Business Students*. Financial Times Prentice Hall. Available from: https://is.vsfs.cz/el/6410/.../Research_Methods_for_Business_Students__5th_Edition.pdf.
- Williamson, K. (2010). *Development and Design of Heritage Sensitive Sites: Strategies for Listed Buildings and Conservation Areas*. Abingdon: Taylor & Francis.